

ادامه از صفحه اول

۲۰ سال پیش؛ امروز، عصر

شاید «کس» در آن جمع پاییزی، مفهوم لغوی خود را از دست داده و «همه» به جای آن نشسته است. از تاکسی پیاده می‌شوم و در اغیار آنها یکران شادی یک ملت و موج‌های غرور آنها غوطه‌ور می‌شوم. کسی سر را با نمی‌شناسد. مسیر خیابان ولیعصر از چهارراه ولیعصر به طرف میدان ولیعصر را پیاده طی می‌کنم. میدان ولیعصر، شاهد سه‌جمله است و همه میدان ولیعصر را مانند سکه‌های میانی بازی به اشغال درآورده‌اند. زن و مرد، کودک و بزرگ و همه قشرهای اجتماعی فارغ از نگرش‌های واقعی و مصنوعی سیاسی خوشحال‌اند و این پیروزی را تبدیل به جشن ملی کرده‌اند. بدعتی متوجه می‌شویم که ایران خارج از کشور نیز در اقصا نقاط جهان چنین حال مشترکی را تجربه می‌کرده‌اند. من که در جشن فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱ به‌این‌سو، هیچ‌گاه مردم را چنین خوشحال و خندان، متبسم و دست‌افشان به یاد ندارم. فتح خرمشهر که پیروزی در روبرویی سخت و پیروزی بر استرالیا و ورود به جام جهانی که پیروزی در روبرویی نرم بود، هر دو می‌تواند موجب جشن‌های ملی شود و چارچوبی برای یکی شدن و حضور و بروز یک ملت و برگزاری جشن‌های پرشور ملی باشد. از «آزادحام مطبوع» میدان ولیعصر عبور می‌کنم و رو به شمال وارد خیابان ولیعصر می‌شوم. ۳۰۰ متری به سمت شمال در میان جشن‌های با‌ج‌خور سیریده طی می‌کنم و وارد کوچه‌دانش‌کده‌ای شده و در واسطه کوچه وارد محل روزنامه ابرار می‌شوم. طبقه اول روزنامه بخش مالی و اداری، طبقه دوم تحریریه ورزشی، طبقه سوم تحریریه روزنامه و طبقه چهارم مدیریت. همه شادند؛ از مدیریت به نسبت به یک جناح و تحریریه عمدتاً منتسب به جناح دیگر. شادی ملی «جناح» نمی‌تولد و خط و خطوط مفروض سیاسی نباید مقسم اراده یک ملت باشد. اصلاً چرا باید افکار برخی، جامعه را موزاییکی و سکتوریزه کند. من پس از گفت‌وگو با همکاران درباره بازی و شرکت در جشن تحریریه به میز بازی می‌روم و گرم می‌گردم و روان‌نوس مشکی خود را برمی‌دارم و شروع به ثبت این پیروزی در عصر پاییزی آذر ۱۳۹۶ می‌کنم و می‌نویسم: «بدرم با جدا را همیشه به کار نمی‌برد. فقط این را بگویم، او هرگز برای فوتبال به کار نبرده بود. او گفت: با جدا کمک‌شان کن و این‌ها همه چیز کرد. نمی‌دانم چرا برای ما ایرانی‌ها یک‌همه چیز با درد و رنج و تشویش باید به‌دست آید. شاید خودمان می‌خواهیم. سه ماه انتظار و تیم سی‌دوم و هشت دقیقه اضافه، هشت سال برای من چشم‌ه‌ایم در برابر جعبه جادو شده است. پلک نمی‌زنم، اما قلمم به شدت می‌زند؛ با ۶۰ میلیون انسان، هم‌زمان می‌زند. با بند نیستیم اما پای در بندم و پایان انتظار در آن‌سوی اقیانوس و تبلور اراده ایرانی و تجسم خواست یک ملت. و ما به جام جهانی می‌رویم با یک دنیا غرور، با یک دنیا سرور، شبه‌شب ایران احساس مشترکی داشت و این می‌تواند آغازی برای ما باشد».

ارتباط دوسویه با آسیب دیدگان زلزله

... ایجاد یک ارتباط دوطرفه با آسیب‌دیدگان بلایای طبیعی و بحران‌ها هدف قرار گرفت؛ ارتباطی که هم امکان شنیده‌شدن صدای آسیب‌دیدگان را فراهم کند و هم قادر باشد صدای امدادگران را به‌صورت هدفمند و در مکان‌های خاص جغرافیایی به گوش بلازده‌ها برساند.

سیستم ترا « Triology Emergency Response »
«Application» یا برنامه واکنش اضطراری
سه‌گانه پاسخی سیاستی به ضرورت استفاده از
ظرفیت تلفن‌نوی موبایل در زمان وقوع زلزله
بود. «ترا» بر مبنای امکان ارسال پیام‌ها هم
با حداقل ظرفیت شبکه ارتباطی طراحی شد. این
شبکه اس‌ام‌اسی امکان ایجاد ارتباط دوطرفه با
آسیب‌دیدگان بلایا و بحران‌ها را فراهم می‌کند و
ارزیابی مستقل صورت‌گرفته درباره این سیستم
بیانگر کارایی آن بوده است. جمع‌بندی اینکه
در مدیریت پس از بحران و به‌منظور ساماندهی
کمک‌ها، هفتم‌نکردن مداخلات ایجاد یک
ارتباط دوطرفه با آسیب‌دیدگان زلزله و شنیدن
صدای آنها ضروری است. در وزارت رفاه، سازمان
بهبودستی کشور با استفاده از ظرفیت مداخلان
خود این ارتباط را با جامعه هدف خود برقرار
کرده است و به‌طور مثال برای پاسخ به نیازهای
۱۱۸ معلول و ۱۸ ضایعه نخاعی حادثه اخیر اقدام
کرده است. سازمان تأمین اجتماعی هم برای
اعطای تسهیلات مالی خود، اعم از بیمه بی‌کاری
با وام بدون بهره به مشمولین بگیران، امکان ارتباط
با جامعه هدف خود را دارد. اما پیشنهاد این است
که با استفاده از تجارب بین‌المللی و قابلیت تلفن
همراه که بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار مشترک
در استان کرمانشاه با ضریب نفوذ ۸۱ درصد دارد،
امکان ایجاد ارتباط امدادگران با آسیب‌دیدگان
و حتی ارتباط آسیب‌دیدگان و یاری‌دهندگان در
یک ساختار مناسب و لحاظ‌کردن همه ملاحظات
فراهم شود.

رئيس مركز اطلاع رسانی وزارت رفاه



عکس: محمد بابایی، ایرنا

وکیل خانوادہ روح الامینی درگفت وگوبا «شرق»:

حکم مرتضوی لازم الاجراست

۲۲ تجدیدنظر آقای حیات مقدم بود که سال گذشته بعد از چند جلسه، حکم برائت من را تأیید کرد. رای هم داد اما مصاحبه هم کرد؛ اما نگذاشتند که ابلاغ شود.»

روای در پاسخ به این سؤال که به مقامی نگذاشت ابلاغ شود، گفت: «باید از خود رئیس دادگاه بپرسید که به کسی نگذاشت.» مرتضوی همچنین با طرح این ادعا که صددرصد در این پرونده اعمال نفوذ شده است، گفت انسان جایز الخطاست و رای دادگاه وحی منزل نیست. وجود داسرای انتظامی قضات برای این است که اگر قاضی یا محکمه اشتباه خطا کرد، رسیدگی شود.

مرتضوی قبلا نیز چنین مطالبی گفته است

میرمجد طاهری، وکیل خانواده روح‌الامینی، در پاسخ به این سؤال که آیا این درست است که اقارب متراضی در شعبه تجدیدنظر ابتدا حکم قطعی گرفته است، گفت: «حکم که دادگاه صادر می‌کند، باید به امضای دو قاضی برسد و شماره ثبت دادنامه بخورد و بعد از آن هم قابل تغییر نیست؛ درحالی‌که هیچ حکمی مبنی بر برائت آقای مرتضوی به ما یک طرف دعوای هستیم، از سوی شعبه ۲۲ تجدیدنظر ابلاغ شده است». او درباره اینکه علت تغییر قاضی شعبه و جایگزین شدن آقای شیرینی‌خان به جای حیات‌مقدم چیست؛ درحالی‌که آقای مرتضوی مدعی اعمال نفوذ هستند، گفت: «هیچ اعمال نفوذی نبوده است». آقای حیات‌مقدم بازنشته شدن و این را رقم

می‌دانند». او در پاسخ به این سؤال که با توجه به اینکه آقای مرتضوی گفته اعاده دادرسی خواهد کرد، آیا اجرای حکم معطل خواهد ماند، گفت: «خیر، حکم صادرشده قطعی است و اعاده دادرسی مانع اجرای حکم نمی‌شود. آقای مرتضوی حق دارند که اعتراض کنند؛ اما صرف درخواست اعاده دادرسی مانع اجرای حکم نخواهد شد. فقط در موارد

پذیرش اعاده دادرسی یا تجویز اعاده دادرسی اجرای حکم متوقف می‌شود؛ بنابراین تا زمانی که تشریفات مربوط به درخواست اعاده طی نشده، متهّم بدین رد زندان باشد و بر فرض پذیرش درخواست اجرای حکم متوقف خواهد شد.

او افزود: «به محض وصول پرونده به اجرای احکام، پرونده در مرحله اجرا قرار خواهد گرفت و باید محکوم‌علیه خود را برای اجرای حکم به اجرای احکام معرفی کند در غیر این صورت طبق مقررات، اقدام لازم به عمل خواهد آمد». طاهری در پاسخ به این ادعای سعید مرتضوی مدعی بر اینکه به علت خصوصیات قاضی با او، از موارد رد درسی محسوب می‌شود، افزود: «تقریباً غالب افرادی که تجربه ندکی در پرونده‌های حقوقی دارند می‌دانند که رد دادرسی باید از قبل باشد. قبلاً نیز آقای مرتضوی در مورد قضات دیگری که نظر به محکومیت ایشان نداشتند چنین مطالبی را بیان کردند و سعی می‌کنند موضوع را شخصی نشان دهند. در حال حاضر حکم صادر شده و قطعی و لازم‌الاجراء است».

کهریزک از ابتدا تاکنون

«محسن روح الامینی»، «محمد کامرانی» و «امیر جوادی» سه بازداشتی‌ای بودند که بعد از بازداشت در روز ۱۸ تیر ۸۸ و انتقال به بازداشتگاه فیروزقانو، بر اثر شدت جراحات و عفونت موقوت کردند، اما در نامه‌ای که مسئولان بازداشتگاه درباره علت فوت این سه نفر خطاب به دادستان وقت تهران می‌نوشتند، علت فوت، «منژیّت» اعلام می‌شود. بهداری زندان ۲۱ «کهریزک» نیز علت اولیه فوت متهّم «جوادی» را مشکل تنفسی و منژیّت و همچنین ایست قلبی اعلام کرده بود. در این نامه تاکید شده بود: «هیچ گونه ضرب و شتم» در خصوص متهّمان در زندان صورت نگرفته است».

جالب در ماجرا این بود که نه پزشک وظیفه شغل
در بهمداری و نه رئیس بهمداری «قاتب»، هیچ‌کدام
حاضر به تأیید و امضای این گزارش نشده بودند و
مستهمان دادگاه انتظامی «کهکریز» مدعی شدند
متن این گزارش خلاف واقع از سوی دادستان تهران
«سعید مرتضوی» به آنان داده شده و «مرتضوی»
از آنان خواسته چنین گزارشی را بنابر مصلحت
به دادستان عمومی تهران ارائه کند. سردار
احمدی‌مقدم، فرمانده نیروی انتظامی، می‌گوید
در گفت‌وگویی فاش کرد که انتقال بازداشتی‌های
حوادث ۸۸ به «کهکریز» با اصرار «سعید مرتضوی»
بوده است. علت مرگ سه جوان در حالی صدمات
و جراحت وارده بر بدن ۷۲ ساعت قبل از فوت و
عغرفی‌شدن بد آن‌ها چند روز که از سوی مراجع و
مقامات بالاتر در اعلام شده بود بارها به دادستان تهران
تکلیف شده بوده که هرچه روبرو در بازداشتی‌ها از

کھریزک از ابتدا تا کنون

«کهریزک» به اولین منتقل شوند؛ به احتمال قوی در صورت انتقال، هیچ کدام فوت نمی‌شدند.

«سعید مرتضوی» مدعی شده بود منتقل شدن به اوین به علت محدودیت جا بوده، اما در گزارش کمیته ویژه مجلس درباره «کهریزک» آمده بود: «در جلسه‌ای که هیئت متفکر با مسئولان زندان اوین و قاضی حداد، معاون وقت امنیاد دادرسی تهران، داشتند، مسئولان اوین اذعان کرده بودند انتقال بازداشت‌شدگان ۱۸ تیر به بهانه فقدان جا و ظرفیت در زندان اوین مطلب صحیحی نیست. زندان اوین کاملاً آمادگی پذیرش آن بازداشت‌شدگان را داشته است.» برای «سعید مرتضوی، «حسن وقت تهران، علی‌اکبر حیدری‌فرد»، دایراد و «حسن حداددهنوی»، معروف به قاضی «حداد»، معاون امنیاد وقت دادستان تهران که هر سه از قضاوت عسلی شده بودند، دادگاه تفری با پرونده‌ای سه هزار و ۵۰۰ صفحه‌ای در ۱۷ جلد تشکیل شد. شایان هم خانواده سه درگذشته جایت «کهریزک» نبودند. نخستین جلسه دادگاه، هفتم اسفند ۹۱ آغاز شد و اول خرداد ۹۲ بعد از ۱۱ جلسه پایان یافت. در جلسات آخر دادگاه، خانواده جوادی‌فر از «سعید مرتضوی» اعلام رضایت کردند که همه را در شوک فرورد، سعید مرتضوی مدتی قبل نامۀ عذرخواهی برای خانواده‌های کشته‌شدگان کهریزک نوشت و از آنها با عنوان شهید یاد کرد، اما خواهر محمد کامرانی در پاسخ نوشت: «عذرخواهی درمان ناله‌های جان‌سوز مادر نیست». در نهایت پرونده کهریزک بعد از کلی فراز و نشیب و تجدیدنظرخواهی و رفتن به دیوان عالی به حکم رسید. معاونت در قتل، مشارکت در بازداشت غیرقانونی و معاونت در تنظیم گزارش خلاف واقع، اتهامات سعید مرتضوی در پرونده بازداشتگاه کهریزک بود. او به دلیل بازداشت غیرقانونی افراد و انتقال آنها به کهریزک به انضال دائم از خدمات قضائی و پنج سال انضال از خدمات دولتی محکوم شد. او به علت تنظیم گزارش خلاف واقع به پرداخت مبلغ ۲۰۰ هزار تومان جریمه محکوم شده بود، اما شعبه ۳۸ دیوان عالی کشور این اتهام را وارد ندانست و در نهایت سعید مرتضوی از این اتهام تبرئه شد. او از اتهام معاونت در قتل محمد کامرانی و امیر جوادی‌فر هم تبرئه شد، اما بابت همین مورد اتهامی با شکایت خانواده روح‌الامینی محکوم شد. ماچرا از این قرار بود که در شکایت خانواده روح‌الامینی این مورد ضمیمه پرونده نشده بود و جداگانه رسیدگی شد تا اینکه بر اساس حکم دادگاه تجدیدنظر، در روز پیش منجر به صدور حکم دو سال حبس شد.

مركز خريدينا

آبان تا ۲۰ آذر بمدت یک
 ماه، بعد از چهارراه کامرانیه، مرکز خرید

 [naroon.shopping.center](https://www.naroon.shopping.center)

**پول برق، بین چادرهای
زله‌زدگان تقسیم می‌شو**

برای محاسبه پول برق رهاکارهایی داریم. هیچ‌کس بیش از حدی که در گذشته برق مصرف کرده است، پول پرداخت نخواهد کرد. ما با سبک و سباقی، تلاش می‌کنیم مردم دچار عذاب نشوند. ممکن است برای برق بین چاه‌های موجود تقسیم نشود، بنابراین کسی که برق می‌دهد، متضرر نمی‌شود. صنعت برق جزء اولین گروه‌هایی بود که به منطقه رسید و با تعداد قابل‌توجهی نیرو در مناطق زلزله‌زده حضور یافت. این صنعت در موضوع آلودگی‌ها و تأمین برق مکان‌هایی که نیاز به برق دارند، مثل بیمارستان‌ها، بیمارستان‌های صحرایی، تصفیه‌خانه‌های فاضلاب، پمپاژهای آب چاه‌هایی که آب شرب روستاها و شهرها را تأمین می‌کردند، روشنائی مردم و... که اهمیت خیلی ویژه‌ای دارند، به‌سرعت با توجه به اولویت‌های اعلام‌شده، در حال عمل شد. درحال حاضر فاز عبور از بحران را پشت سر گذاشتیم و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، مناطق زلزله‌زده را برق‌دار کردیم. در این زلزله ۴۳ روستای برق شده بودند. شهرهایی مثل ثلاث باباجانی، تازه‌آباد و سرپل‌ذهاب دچار تخریب‌های زیادی شده بودند. تأسیسات و تجهیزات ما دچار تخریب شده بود و با روش‌هایی جدید فاز عبور از بحران را پشت سر گذاشتیم که این عبور در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شد. بعد از اینکه شبکه برق پایدار شد، به هم‌وطنان در چادر برق‌رسانی کردیم. زیرا شاید ایمن‌ترین راه برای آنها استفاده از نعمت برق باشد تا زمانی که به سرانجام مناسب در اسکان موقت و دائم برسند. حضور در چادرها اضطراری برای مردم مناطق زلزله‌زده به‌شمار می‌رود. توافق کردیم که کمپ‌ها برق‌رسانی داشته باشیم تا عوارض مسمومیت و گازگرفتگی ناشی از مصرف ساینر سوخت‌ها کاهش یابد. خواستیم باری به دوش مردم تحمیل شود. سعی کردیم به شکل مناسبی برق تحویل چادرها دهیم. در مدت کوتاهی سعی کردیم این کار صورت گیرد. درحال حاضر شش هزار و ۵۰۰ چادر کمی در سرپل‌ذهاب برقرار شده است. ۵۰۰ چادر در قصر شیرین و هزار چادر در ثلاث باباجانی برق دریافت کرده‌اند. تمام مردمی که در روستاها و در حیاط منزل یا نزدیک خانه‌های تخریب‌شده هستند نیز برق‌دار شده‌اند و وزارت نیرو به آنها برق‌رسانی کرده است.